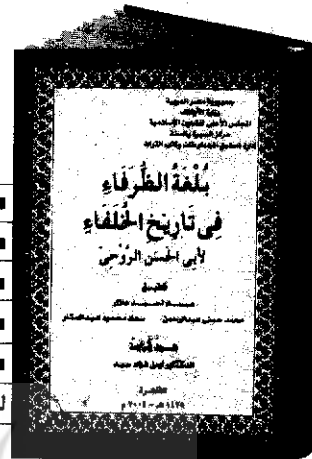




اخبار مغرب

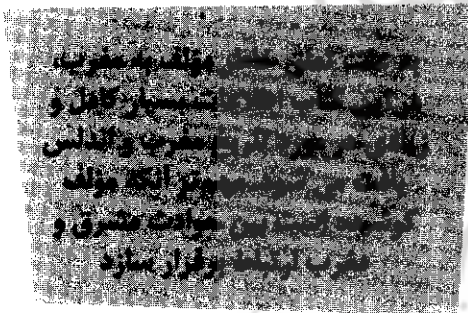
• اصغر قائدان



- بلغة الظرفاء في تاريخ الخلفاء
- ابي الحسن علي بن عبدالله الروحي (قرن ششم هجري)
- تحقيق: عماد احمد هلال، محمد حسني عبدالرحمن و محمد عبدالستار
- نظارت: دكتور ايمن فؤاد سيد
- اداره تحقيق المحفوظات و كتب التراث وابسته به «المجلس الاعلى للشنون الاسلاميه مركز السيره و السنه»، ١٤٢٥ ق، ٢٠٠٤ م، ٤٢٣ ص.

کتاب با مقدمه رئیس کل و نایب رئیس المجلس الاعلى للشنون الاسلاميه مصر، عبدالصبور مرزوق، و نیز توضیحات دکتر ایمن فؤاد سید آغاز می‌شود.

عماد احمد هلال با مقدمه دیگری که البته بحث مستقلی پیرامون تحول تاریخ‌نگاری مسلمانان از آغاز تا پایان عصر فاطمی است، اطلاعاتی نسبتاً مختصر از مورخان و کتب تاریخی آنان به دست می‌دهد که در مجموع نکته جدیدی در آن به چشم نمی‌خورد؛ اما آنچه مقدمه او را ممتاز می‌سازد، بحث کوتاه او پیرامون مورخان مصری و تألیفات آنها به‌ویژه تاریخ‌نگاری عمومی آن منطقه، پس از حیات مؤلف این کتاب، یعنی ابوالحسن روحی است که در قرن ششم و در دوران خلفای فاطمی می‌زیسته است. او سپس، در این مقدمه علمی، ۱۴ روایت از منابع رجالی و فهراس و کتاب‌شناسی‌های معتبر پیرامون نظرات آنان با ذکر نام دقیق مؤلف و مورخ این کتاب ارائه می‌کند که در آنها نام این فرد به اشکال مختلف الروحی، السروجی، الدوحی و التروجی ثبت شده است. او وجه تسمیه هر یک را با توضیحات کامل بیان می‌کند و نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که نام دقیق او الروحی است و اختلاف این مورخان در ثبت نام وی راه نمی‌توان اختلاف قرائت‌ها و شباهت آنها در رسم الخط به یکدیگر دانست، احتمالاً دو شخص هستند که اشتباهاً یکی دانسته شده‌اند. او سپس، به دوران حیات روحی و وفات او می‌پردازد و ضمن اذعان به این که در کتب تراجم و در مورد شرح حال و زندگی وی مطالب زیادی به چشم نمی‌خورد، به ذکر سه روایت کوتاه در این خصوص می‌پردازد و به نقد و ارزیابی آن روایات هم نظر دارد. برای روحی دو تألیف دیگر

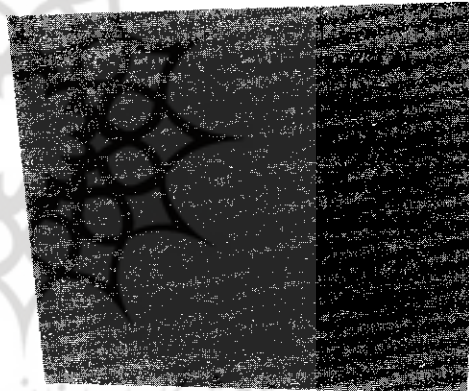


هم در آن مقدمه گفته شده است یکی «الانباء عن الانبياء» و دیگری «الاختيارات» که اولی در تاریخ و دومی در ادبیات است.

عماد احمد هلال، سپس، در این مقدمه، به تشریح و توصیف نسخ خطی کتاب می‌پردازد. قدیمی‌ترین نسخ را با رمز نسخه (ا) که متعلق به کتابخانه امپراطوری میلان ایتالیا است معرفی می‌کند و سپس نسخه (د) که در دارالکتب المصریه موجود و تاریخ کتابت آن البته روشن نیست و چنین می‌نماید که در قرن هشتم نوشته شده باشد؛ سومین نسخه نیز با حرف (م) متعلق به کتابخانه احمد سوم در استانبول است که البته با عنوان «تاریخ مختصر من اول آدم الی منصور بن ابی عامر» که دقیقاً همان بلغة الظرفاء است و به همراه کتاب دیگر او الانباء فی تاریخ الانبياء» که هر دو توسط یک کاتب کتابت شده است. او در ادامه، اختلاف و تفاوت این سه نسخه را تشریح می‌سازد؛ آنگاه به ذکر عناوین مختلفی که کتاب‌شناسان و فهرست‌نویسان بر این کتاب نهاده‌اند می‌پردازد. سه نسخه‌ای که مصححان

محترم آن را ملاک تصحیح این نسخه قرار داده‌اند، نیز عناوین متفاوتی دارد. نسخه (ا) بر روی آن «بلغة الظرفاء فی تاریخ الخلفاء» نسخه (د) «بلغة الظرفاء فی ذکر تواریخ الخلفاء» ثبت شده است.

مصصح محترم سپس، در قسمت دیگری از مقدمه به ذکر اهمیت این کتاب و نظرات مورخان بعدی از جمله ابن‌خلکان، ابی سعید اندلسی، مقریزی، ابن حجر عسقلانی، ابن اثیر، ابن ظافر و عبدالواحد مراکشی پرداخته و در پایان مقدمه، تصاویری از نسخه های (ا)، (د) و (م) را به چاپ رسانده است. نوع خطوط این سه نسخه نشان می‌دهد که نسخه (ا) از همه قدیمی‌تر است؛ این نسخه به خط نسخ نگاشته شده و بسیاری از کلمات آن بی نقطه هستند. از ظاهر خط می‌توان احتمال داد که نسخه خطی متعلق به اواخر قرن هشتم باشد. اما خط نسخه (د) نیز نسخ است. با نقطه و اعراب کامل و بسیار زیبا که نشان می‌دهد حدوداً متعلق به قرن دهم هجری باشد و نیز نسخه



سوم (م) نیز به خط نسخ تحریری است اگرچه به زیبایی خط نسخه (د) نیست، اما با اعراب کامل و خوانا نگاشته شده است که این نسخه هم به نظر می‌رسد اواخر قرن دهم یا اوایل قرن یازدهم باشد. این مقدمه در پنجاه صفحه نگاشته شده و سپس متن کتاب در ۳۱۰ صفحه آغاز می‌گردد.

شرح حال مؤلف و عصر او

در مورد ابوالحسن یا ابوالحسن علی بن الفقیه ابی عبدالله محمدبن ابی السروربن عبدالرحمن الروحی، آنچه مسلم است در اسکندریه به دنیا آمده و مدتی را در قریه تروج از توابع اسکندریه زندگی کرده است؛ به همین سبب به تروجی هم معروف شده است و اما از آن رو به روحی مشهور است که بر اساس گفته یاقوت، ابالسرور، جد او در روحه از قریه‌های قیروان به دنیا آمده است. پدرش ابا عبدالله روحی از رجال حدیث بوده که البته قلیل الروایة محسوب می‌شده است و شاگردانی نیز تربیت کرده است. کتاب‌هایی نیز از کتابخانه‌اش

به ورثه او رسیده، از جمله به ابوالحسن که در کودکی پدرش را از دست داده بود. تاریخ تولد و وفات روحی روشن نیست ولی از متن کتاب و اشاراتی که به برخی حوادث و اشخاص دارد می‌توان حدوداً آن را روشن ساخت. او باید در اواخر قرن پنجم و یا نهایتاً اوائل قرن ششم به دنیا آمده باشد؛ زیرا در روایتی از عبدالؤمن بن علی که از فاتحان مغرب و مؤسس سلسله مرابطون است، نکته‌ای را نقل می‌کند که این حادثه مربوط به سال ۵۵۵ ق. بوده و خود تأکید می‌کند که این زمان ما است و نیز در جای دیگری با ذکر زمان ظهور محمدبن تومرت ملقب به مهدی و وفات او و جانشینی عبدالؤمن بن علی و ملقب گشتن او به امیرالمومنین اشاره می‌کند و سپس می‌گوید او تا عصر ما یعنی ۵۵۹ زنده است و حکومتش برقرار. مؤلف حوادث را نهایتاً تا سال ۵۷۶، که الناصرالدین‌الله عباسی از دنیا رفته است بیشتر ادامه نمی‌دهد. بر این اساس، روشن می‌گردد که وی باید در اواخر قرن ششم از دنیا رفته باشد. علاوه بر این دلایل، برخی از روایان وی که او حوادث را از آنها شنیده و نقل قول کرده است، مثل ابوعبدالله عثمانی (۵۷۲ م.) ابو محمد عبدالوهاب بن محمد بن عمرو و نیز محمدبن حارث آمدی و کسان دیگری که در قرن ششم می‌زیسته‌اند، نشان می‌دهد او مسلماً باید در این قرن زیسته باشد.

در مورد شرح زندگانی او چیزی بیشتر نمی‌دانیم جز آنکه وی علاقه خاصی به اخبار مغرب و اندلس داشته؛ زیرا به لحاظ نژادی خود از مغاربه بوده است. چنانکه گفتیم، پدر او در قریه روحه در قیروان (تونس) بدنیا آمده و وی با گروهی به مصر آمده و در اسکندریه زاده و بزرگ شده است؛ لذا نژاد او از مغاربه است. خانه وی ملجأ و محل حضور علمای مغربی بوده که از مغرب و اندلس به مصر می‌آمده‌اند؛ مثل: محمدبن حارث آمدی که روحی اخبار ابن تومرت را از او نقل کرده است. اطلاع دیگری که از او می‌توان به دست داد این که او فقیه بوده زیرا نامش دائماً با عنوان الشیخ الفقیه همراه است. در آن زمان، اسکندریه قریه رجال اهل علم از تمامی سرزمین‌های اسلامی و اهل سنت بوده است. احتمال می‌رود او فقه را نزد پدرش آموخته باشد، زیرا پدرش از فقهای معروفی بوده که از مغرب به مصر آمده و در اسکندریه ساکن شده‌اند. لقب پدرش نیز شیخ الفقیه بوده است و نیز با توجه به کتاب دیگر روحی، «الاختیارات»، که در ادب و بلاغت است می‌توان نظر داد که وی علاوه بر فقاقت و تاریخ در ادبیات نیز دستی داشته است. شعر، ادبا و علمای علم نحو، را به خوبی می‌شناخته و آثارشان را به خوبی تشریح کرده است.

مذهب مؤلف

چنانکه از محتوای تألیف برمی‌آید، او از شیعیان و فاطمیان

بوده است؛ یکی این که بیشتر به اخبار فاطمی‌ها علاقه نشان داده و آن را به طور جامع ثبت و ضبط کرده است؛ دیگر آن که در عصر فاطمیان، در مصر می‌زیسته است و سرانجام این که، هر کجا از امام علی (ع) نام می‌برد با عنوان امیر المؤمنین علی یاد می‌کند.

ویژگی‌های تألیف

از ویژگی‌هایی که می‌توان برای این تألیف برشمرد :

۱- این کتاب، برخلاف بسیاری از تواریخ عمومی که بسیار مفصل و در چندین جلد نگاشته شده‌اند، مختصر و البته کامل و جامع است و معمولاً اهم حوادث، مورد توجه و شرح قرار گرفته‌اند.

۲- به علت تعلق خاطر مؤلف به مغرب، در این کتاب اطلاعات بسیار کامل و زیادی در مورد تاریخ مغرب و اندلس یافت می‌شود. مهم‌تر آنکه مؤلف کوشیده است بین حوادث مشرق و مغرب ارتباط برقرار سازد.

۳- این کتاب شاید منبع نسبتاً جامعی در خصوص خلفای فاطمی تلقی شود و به عبارتی، زیر بنای نخستین تاریخ فاطمیان را تشکیل دهد. زیرا مؤلف بسیاری از حوادث عصر فاطمیان، مخصوصاً دوران آخر خلافت آنان را به چشم دیده و از نزدیک با حوادث آن عصر آشنا بوده و دیده‌هایش را ثبت می‌کرده است.

۴- اگر چه عمده کتاب او به شرح خلافت فاطمیان و عباسیان و مغرب و اندلس اختصاص یافته است؛ اما برای تبرک و تیمن، از سیره رسول خدا(ص)، البته بسیار مختصر آغاز کرده است.

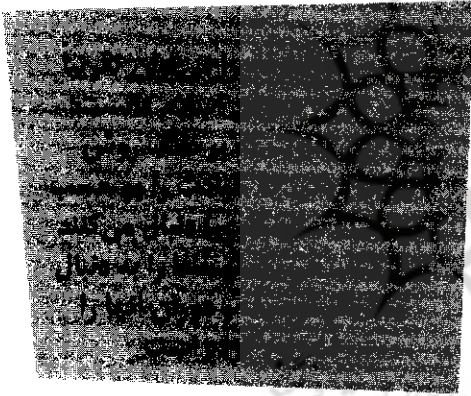
۵- مؤلف کار خود را بر منابع اصلی متکی و مستند ساخته است که البته برخی از آنها امروزه در دست نیست.

۶- به سبب جامعیت این کتاب در خصوص اخبار دولت فاطمی، بسیاری از مورخان بعدی که به تاریخ، ادب و رجال این سرزمین همت گماشته و بدان پرداخته‌اند از این منبع بهره‌ها برده و آن را اساسی برای کار خود قرار داده‌اند.

روش کتاب

کتاب بلغة الظرفاء را می‌توان تقریباً یک تاریخ عمومی اسلام دانست؛ با این تفاوت که برخلاف روش تألیفات دیگر، که حوادث را بر حسب حویلیات (سال‌نگاری) دنبال می‌کنند این کتاب هر یک از خلفا را به دنبال یکدیگر توصیف و دوران آنها را تشریح کرده است. چون قصد داشته است تاریخ خلافت را بنگارد نه تاریخ اسلام را، لذا به ناچار این روش را اتخاذ کرده است. البته کتاب تنها به ذکر شرح حال خلفا بسنده نکرده است؛ بلکه حتی شرحی از وزراء، قاضیان و کارگزاران خلیفه و نیز

حوادث دوران خلافت، البته به اختصار، داده است که در برخی جاها به‌ویژه دوران فاطمیان، این امر بسیار مفصل و گسترده و با ذکر جزئیات. به‌ویژه در دوران زندگی مؤلف یعنی دوران خلافت الحاکم بامرالله، المستعلی و وزیرش افضل و نیز خلیفه العاضد و وزیرانش شاور و ضرغام و اسدالدین شیرکوه و صلاح‌الدین ایوبی. لذا کار او ارزش ویژه‌ای برای حوادث این دوران می‌یابد و بسیاری از مورخان بعدی به او استناد می‌کنند و از او بهره می‌برند. نکته دیگر آن که، وی درخصوص خلافتی مشرق یعنی بغداد، از دستگاه خلافت پا را فراتر نمی‌گذارد و به جز خلفا و رجال پیرامون ایشان، به اشخاص دیگر نمی‌پردازد. نویسنده هنگام ذکر خلافت خلفای مغرب، یعنی اندلس و فاطمیان و نیز حوادث مغرب، علاوه بر خلفاء، به شرح حال تمامی امرا و حاکمان اندلس و مغرب می‌پردازد و دایره کار خود را وسیع‌تر از مشرق قرار می‌دهد. براین اساس، در حوزه تاریخ خلافت و حکومت اسلام در مغرب سرزمین‌های اسلامی، کار او نسبتاً



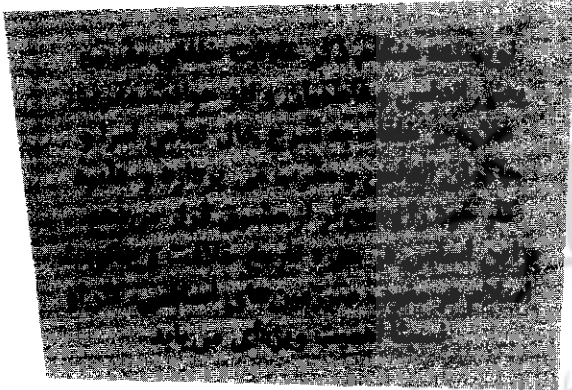
اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

روحی در تألیف خود، به منابع معتبری متکی است از جمله عیون‌المعارف و نیز الاثیاء فی تاریخ الانبیاء از قضاعی، السیرة النبویة ابن اسحاق، المحبر، ابن حبیب. نیز بلغة الظرفاء، به رغم آن که یک تاریخ مختصر است، مورد استفاده بسیاری از مورخان بعدی قرار گرفته است و بسیاری به این کتاب اعتماد کرده‌اند و مصرحاً از آن نام برده‌اند از جمله: ابن خلکان در وفیات الاعیان از او در سه مورد استفاده کرده است، یکی از شرح زندگی شاور، آخرین وزیر شیعی فاطمی (قبل از صلاح‌الدین) و دیگری هنگام ذکر وفات اسدالدین شیرکوه و سومین آن هنگام شرح زندگی العزیر بالله فاطمی که ابن خلکان در هر سه مورد با عنوان «ذکر ابوالحسن الروحی فی کتابة تحفة الظرفاء فی تاریخ الخلفاء» از کتاب او یاد کرده است.

ابن سعید اندلسی نیز از کتاب او بسیار بهره برده است و در شرح زندگی همه خلفای فاطمی، از الحاکم بامرالله تا پایان خلافت فاطمی کاملاً از کتاب بلغة الظرفاء مدد جسته است و

رسول الله...» و با این عبارت پایان می پذیرد: «... وکسرت الفرنج في ايامه في غزوه سنة ثمان و اربعين و ستمائة... و كان فتوحا مشهورا ثم قتل، والحمدلله وحده و حسبناالله و نعم الوكيل» ناسخ این نسخه نامش احمد بن شاهد دیلمی است و تاریخ کتابت ندارد (همان، ص ۲۸) که البته نوع نسخ آن نشان می دهد به قرن دهم متعلق باشد.

نسخه سوم که نسخه (م) نامیده شده است در کتابخانه احمد پاشای سوم در استانبول نگهداری می شود که تصویر و عکس آن در معهد المخطوطات العربیه قاهره، به شماره ۱۲۴ با عنوان «تاریخ مختصر من اول آدم الی منصور بن ابی عامر»، نگهداری می شود. این نسخه همان بلغة الظرفاء است و فقط ۱۴ ورق از آغاز آن بیشتر از دو نسخه قبل است و با این سخن آغاز می شود: «الحمدلله... اما بعد فانی ذاکر فی کتابی هذا القول فی الزمان و ماختلف الناس فی الاماضی منه من لدن آدم...» سپس به تاریخ انبیاء می پردازد و آنگاه از سیره پیامبر (ص)



سخن می گوید. اما تفاوت آن با دو نسخه قبلی این است که آخر آن ناقص است و تقریباً نیمی از کتاب را ندارد و تنها تا زمان منصور بن ابی عامر را داراست و سخن ناتمام می ماند. این نسخه ۸۸ برگ (۱۷۶ صفحه) دارد و به نظر می رسد متعلق به قرن دهم هجری باشد.

محتویات و متن کتاب

کتاب بلغة الظرفاء دارای تقسیم بندی بر اساس فصول و یا حولیات (سال نگاری) نیست، بلکه بر اساس دوره های خلافت، تقسیم بندی شده است. قسمت اول، بر اساس آنچه متذکر شدیم، با صحبت از سیره رسول (ص) آغاز می شود و مؤلف در این قسمت، به ذکر نسب رسول (ص) پدر، مادر، مکان تولد، ویژگی های فردی و اخلاقی ایشان و هم چنین ذکر غزوه ها، حجة الوداع و نهایتاً وفات و نحوه غسل و کفن ایشان می پردازد. او این مباحث را عمدتاً از ابن اسحاق و ابن حبیب در سیره النبویه و المجر نقل می کند و به طور اختصار و به عبارتی تیمنا و تبرکاً،

مورخان بعدی نیز به طور کامل از کتاب ابن سعید بهره برده اند، بدون آن که نامی از کتاب الروحی ببرند.

سومین کسی که به استفاده و استناد به کتاب بلغة الظرفاء پرداخته و به نام آن تصریح کرده است، مقریزی، مورخ معروف مصری است. او شرح حال الحاکم بامرالله فاطمی را تماماً از وی نقل می کند و در کتابش «تعاظ الحنفاء» مصرحاً با عنوان: «وقال الروحی...» از وی یاد کرده است.

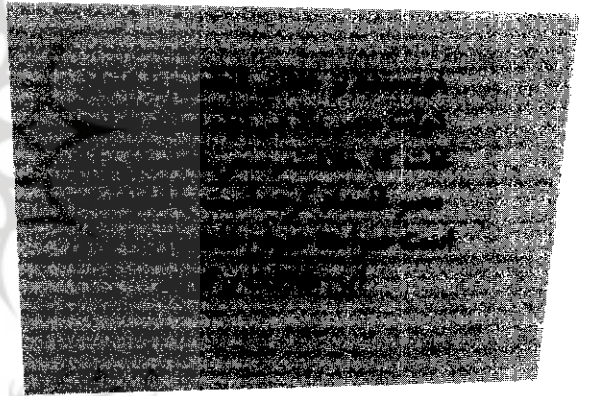
چهارمین نفر ابن حجر عسقلانی است که در کتابش «رفع الاصر عن قضاة المصر» در شرح حال برخی از فقها و قاضیان مصر از روحی نقل می کند با این عنوان «قال ابوالحسن التروجی فی کتابة بلغة الظرفاء...». اما سه نفر دیگر هم از کتاب روحی بهره برده اند بدون آن که به نام وی تصریح کنند؛ ولی عبارات آنان و اخباری که ارائه می کنند عیناً از کتاب روحی است. این سه نفر عبارتند از: ابن اثیر در بخش مربوط به اخبار فاطمی ها در الکامل، ابن ظافر دمشقی هنگام ذکر خلافت فاطمیان به ویژه اخبار الحاکم بامرالله و پس از او در کتابش «اخبار الدول المنقطعة»، و نیز عبدالواحد مراکشی در «المعجب فی تلخیص اخبار المغرب» در ذکر اخبار و حوادث مربوط به اندلس و مغرب (بنگرید مقدمه کتاب ۳۶-۳۹).

نسخه های کتاب

مصحح محترم در تصحیح این کتاب سه نسخه را اساس کار خود قرار داده است؛ یکی نسخه ای است که به خاطر قدمت آن را نسخه (ا) نامیده است. این نسخه در کتابخانه سلطنتی میلان ایتالیا موجود است و میکروفیلم آن به شماره ۹۳۴ در معهد المخطوطات العربیه قاهره، نگهداری می شود. تعداد صفحات آن ۱۲۰ ورق یعنی ۳۲۰ صفحه است و با این کلام آغاز می شود: «الحمدلله رب العالمین - اما بعد فانی ذاکر فی کتابی هذا نسب رسول الله...». و انجام آن «و خرج صلاح الدین بعساکره المنصوره الی الشام غازیا و عاد مؤیداً منصوراً و الحمدلله رب العالمین». مصحح محترم این نسخه را اصل قرار داده است؛ زیرا قدیمی تر و کامل ترین بوده و نقص یا افزودگی یا اختصار در متن دیده نمی شود. البته ۱۴ ورق از قسمت مربوط به تاریخ انبیاء آن کم است، که شاید به سبب عدم اهمیت آن در دیدگاه ناسخ، حذف شده است، به ویژه آن که روحی به اختصار بدان پرداخته است. نام ناسخ معروف نیست و تاریخ کتابت هم ندارد (بنگرید مقدمه مصحح، ۲۸). این نسخه چنانکه شرح آن رفت، از سیاق رسم الخط آن، به نظر می رسد نسخ قرن هشتم باشد.

نسخه دوم که آن را نسخه (ب) نامیده است، در دارالکتب المصریه به شماره ۲۰۴۴ نگهداری می شود. به خط نسخ زیبایی همراه با جدول در ۱۴۹ برگ (۲۹۸ صفحه). این نسخه با این کلام آغاز می شود. «اما بعد فانی ذاکر فی کتابی هذا نسب

در ۵۰ صفحه به پایان می‌رساند. مصحح محترم این قسمت را با پاورقی‌های عالمانه و توضیحات و توصیفات و مستندات تاریخی و ارجاع به منابع معتبر برای اطلاعات بیشتر، تقویت کرده است. چون مبنای کار مؤلف در این قسمت تشریح حوادث تاریخی نبوده است؛ لذا به هر حادثه حداکثر نیم صفحه اختصاص داده است و این امر روشن می‌کند که صرفاً می‌خواسته کارش را به نام مبارک رسول (ص) آغاز کند. در این قسمت هر کجا از علی (ع) سخن گفته با لقب امیرالمومنین علی رضی الله (ع) یاد کرده است. او ذکر همسران رسول خدا (ص) را، پس از وفات ایشان، قرار داده است و برحسب تاریخ ازدواج با رسول خدا (ص) بیان کرده است، در میان اسامی ذکر شده، به نامی نسبتاً مهجور که کمتر مورخی نام او را در زمره زنان رسمی رسول خدا برشمرده است، برمی‌خوریم؛ یعنی غزیه، دختر دودان معروف به ام شریک، که نام او را در شمار زنان دائمی رسول خدا ذکر کرده است. او، سپس، از فرزندان و موالی رسول خدا (ص)، کاتبان و



قاضیان، رسولان هر یک در چند سطر نام می‌برد و پس از آن از سائل شخصی رسول خدا (ص) سخن می‌گوید.

در قسمت دوم به بحث پیرامون خلافت خلفای راشدین می‌پردازد و به اختصار حوادث آن دوران را در ۴۰ صفحه، همانند عصر رسول خدا (ص) بیان می‌کند و دوران خلافت امام حسن (ع) را با این حدیث رسول خدا (ص) به پایان می‌برد که «الخلافه ثلاثون عام، ثم یكون ملکا او ملوکا» خلافت پس از من سی سال خواهد بود و سپس به سلطنت تبدیل خواهد شد و ذکر می‌کند که پایان خلافت امام حسن (ع) دقیقا سی سال و سیزده روز از رحلت رسول خدا (ص) بوده است. روحی آنگاه در قسمتی دیگر به ذکر خلفای اموی تحت عنوان اخبارالدوله الامریه می‌پردازد و به اختصار همانند دوران‌های قبل در سی صفحه آن را به پایان می‌برد.

روحی آنگاه، به ذکر خلافت خلفای اندلس می‌پردازد و تحت جامع اخبار بنی امیه، از عبدالرحمن بن معاویه معروف به عبدالرحمن الداضی آغاز و به هشام بن محمد المعتد آخرین خلیفه

اموی، به پایان می‌برد. اما اخبار مربوط به اندلس را همچنان، پس از امویان دنبال می‌کند و اختصاراً از دولت بنی عامر و دولت‌های موحدون و رابطون هم ذکری به میان می‌آورد.

اما قسمت دیگر کتاب، به ذکر اخبار عباسیان تحت عنوان الدوله العباسیه اختصاص یافته است. او در این قسمت، به شرح حال یکایک خلفای عباسی از ابوالعباس سفاح تا المستعصم در نیم صفحه می‌پردازد و سپس در قسمت بعد، دوران خلفای فاطمی را تحت عنوان اخبارالدوله المصریه دنبال می‌کند. این که وی نام خلفای فاطمی را دولت مصر انتخاب کرده است، در حالی که می‌دانیم خلفای فاطمی ابتدا در مغرب ظهور کرده و سپس در زمان الفرباسه، در سال ۳۵۰ وارد مصر می‌شوند شاید بدان دلیل باشد که خلافت رسمی فاطمیان را از مصر قلمداد کرده و حتی بالاتر این که نخواسته است صراحتاً عنوان فاطمیان را برای این خلافت برگزیند یا عنوان عبیدیان را که البته دو جریان موافق و مخالف فاطمیان چنین نام‌هایی را بر این دولت نهاده‌اند و به نظر می‌رسد می‌خواسته است در این خصوص، به موضع‌گیری خاصی نپردازد و لذا به عنوان دولت مصر اکتفا کرده است. او اخبار این قسمت را از دوران المهدی (عبیدالله) و ظهور او در مغرب آغاز و تا الحاضر آخرین خلیفه فاطمی دنبال می‌کند. به این دوران نسبتاً مفصل‌تر از دوران‌های قبل می‌پردازد و جزئیات بیشتری از حوادث عصر خلافت خلفای فاطمی به دست می‌دهد؛ به گونه‌ای که آن را در ۸۰ صفحه به انجام می‌رساند. و اما پس از آن که از وزارت شاور و نحوه ورود صلاح‌الدین ایوبی به مصر سخن می‌گوید، قسمت بعدی تألیف خود را، که آخرین قسمت آن است، به اخبارالدوله الایوبیه اختصاص می‌دهد و در چند صفحه ناتمام می‌گذارد. در حقیقت، آخرین تاریخی که او دنبال کرده است دوران ملک برشاه بن ملک صالح نجم‌الدین ایوب است که به سال ۶۴۹ در جنگی با فرنگیان کشته می‌شود؛ البته این قسمت متعلق به نسخه است و به قول مصحح، از تألیف اصلی روحی نیست؛ بلکه اضافاتی است که بعدها به آن افزوده‌اند و نسخه اصل، یعنی نسخه الف تا پایان العاضریان یعنی تا سال ۵۶۶، بیشتر نبوده است؛ شایان ذکر است مصحح محترم در پاورقی‌های خود به خوبی توانسته است حوادث و اشخاص را که مؤلف به اختصار بیان کرده است، بیشتر تشریح و توصیف کند و بر غنای علمی این تألیف بیفزاید. نسخه با این کلام به پایان می‌رسد: «تم کتاب بلغة الظرفاء فی تواریخ الخلفاء علی ید الفقیر الی الله تعالی احمد بن شاهد دیلمی».

پی‌نوشت‌ها:

۱. معجم البلدان ۷۷/۳.

۲. بنگرید به مقدمه کتاب، ص ۲۲ و ۲۳.